

## نقد شبهه محدودیت اراده فرزندان در آموزه‌های تربیتی اسلام

همایون سراقی\*

محمد مهدی صفورایی پاریزی\*\*

### چکیده

اسلام داشتن اراده آزاد، اختیار و حق انتخاب را نه تنها یک حق؛ بلکه اساس تکامل انسان می‌داند؛ با وجود این برخی درصدد القای این شبهه هستند که آموزه‌های تربیتی اسلام اراده آزاد، اختیار و حق انتخاب انسان را محدود می‌سازد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد است با ارائه آموزه‌های تربیتی اسلام به شبهات مطرح در این زمینه پاسخ دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اسلام در نظام تربیتی خود همچون تمامی نظریات دیگر از جمله اندیشه‌های بی‌دینی و ضد دینی که در راستای تحقق بخشیدن به اهداف خود در تلاش‌اند، اهدافی دارد و در این راستا از روش‌های مختلف بهره می‌گیرد؛ در عین حال روش‌های تربیتی اسلام نه تنها با اراده آزاد، اختیار و حق انتخاب انسان‌ها منافاتی ندارد و محدودکننده آن نیست؛ بلکه در اندیشه تربیتی اسلام، آزادی و انتخاب اساس تکامل بوده و دستیابی به اهداف تربیتی در سایه انتخاب آگاهانه امکان‌پذیر است.

**واژگان کلیدی:** آزادی، اختیار، اراده، انتخاب، تربیت اسلامی.

---

\*. دانشجوی دکتری قرآن و علوم روانشناختی جامعه المصطفی العالمیه؛ h.soraghi@yahoo.com

\*\* . دانشیار روانشناسی تربیتی جامعه المصطفی العالمیه؛ safurayi@gmail.com

## مقدمه

مفاهیمی چون اراده، اختیار، جبر، آزادی و آگاهی همواره مورد توجه فلاسفه و متکلمین بوده است و به حوزه‌های مختلفی از علوم راه‌یافته است؛ در حوزه مباحث تربیت این مفاهیم نظریات، سؤالات و بحث‌های مختلفی از قبیل حق آزادی متربی، حق آزادی مربی، حدود آزادی، اینکه آزادی مقدم است بر انضباط و یا انضباط بر آزادی را برانگیخته است. می‌توان گفت تمام صاحب‌نظران معتقد به اصل آزادی هستند اما در کم‌وکیف آن اختلاف دارند؛ چراکه برخلاف سایر حیوانات که تا حدودی مستقل به دنیا می‌آیند آدمی در بدو تولد تا مدتی طولانی نیاز به حمایت دارد و این حمایت‌ها مستلزم حدودی از انضباط و محدودیت در آزادی است اما اینکه مرز این محدودیت‌ها کجاست؟ با توجه به شرایط متغیر متربیان در سنین و مراحل مختلف رشد، مرزها چگونه تعریف می‌شود؟ موضوعاتی است که نظرات مختلفی را به دنبال داشته است.

روسو نحوه اعمال آزادی و انضباط در فرایند تربیت را از آزادی به سمت انضباط می‌داند و عقیده دارد، اصل زیربنایی تربیت که از طبیعت کودک دریافت می‌شود آزادی است؛ تربیت باید با تأکید بر این اصل، زمینه تشکیل طبیعت نیالوده به آموزش‌های نامناسب اجتماعی را از راه تربیت منفی، فراهم سازد و پس از تکوین شخصیت است که امکان ورود در اجتماع و پذیرش قواعد و ضوابط اجتماعی صحیح برای فرد فراهم می‌شود.

کانت، نحوه اعمال آزادی و انضباط در فرایند تربیت را از انضباط به سمت آزادی می‌داند و عقیده دارد باید اعمال و رفتار کودک را به صورت برنامه‌ای مدون تحت قاعده و قانون درآوریم، چون فرد در سایه انضباط به آزادی حقیقی دست پیدا می‌کند. همچنین کانت برای رفع نیازهای اساسی انسان، از اهمیت وجود نظم و ضابطه، قبول مسئولیت و انجام وظیفه به عنوان اصل اساسی و مهم در زندگی بشر، نام برده است و اعمال کنترل و انضباط را به معنی نفی آزادی افراد نمی‌داند؛ بلکه تحت ضابطه درآوردن آن است تا موقعی که آزادی فرد مانعی برای آزادی جمع نباشد. کودکان حق دارند از منافع مشروع خود دفاع کنند و دیگران وظیفه دارند آنها را در این راه یاری کنند. باید از افراط و تفریط دور



باشیم تا استعدادها فرصت ظهور و تجلی پیدا کنند (غفاری، ۱۳۹۳، ص ۱۰۶-۹۶). شهید مطهری رحمته الله علیه آزادی را برای انسان مشروع و ضروری می‌داند و اساس ضرورت و مشروعیت آن را استعداد تکامل و تعالی انسان می‌داند که به وسیله آفریدگار در وجود وی نهاده شده است (همان).

علامه مصباح‌یزدی رحمته الله علیه بیان می‌دارد اراده و اختیار به موازات هم از ویژگی‌های ذاتی و فطری انسان به شمار می‌روند و ملاک انسانیت، معیار تکلیف و مسئولیت‌پذیری و میزان ارزش و سنجش رفتارهای انسان به حساب می‌آیند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۷۹۲) و اختیار انسان هنگامی به کمال شایسته خود می‌رسد که وی بتواند نه تحت شرایط ناخواسته؛ بلکه با آگاهی لازم و بدون الزام یا اکراه و تنها به اراده خویش از میان چندین گزینه پیشرو یکی را برگزیند و به آن متعهد شود (همان).

علامه طباطبایی رحمته الله علیه بیان می‌دارد: «اگر در آیات قرآن تتبع و تفحص نموده و در آنها به دقت تدبر نمایی، خواهی دید که بشر را شاید بیش از سبب مورد «به تفکر» «تذکر» و یا «تعقل» دعوت نموده و یا به رسول گرامی خود یادآور می‌شود که با چه دلیلی حق را اثبات و یا باطل را ابطال کند.» (موسوی‌همدانی، ۱۳۷۴، ص ۵، ص ۴۱).

علی‌رغم جایگاه این مفاهیم در اندیشه و معارف اسلامی و باوجود آنکه اسلام انتخاب آگاهانه را اساس تکامل می‌داند برخی این‌گونه مطرح ساخته‌اند که آموزه‌های تربیتی اسلام نافی حق آزادی و قدرت انتخاب از کودکان است.

پژوهش حاضر درصدد است با ارائه آموزه‌های تربیتی اسلام برای والدین و به روش توصیفی تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که «آیا آموزه‌های تربیتی اسلام برای والدین نافی آزادی، اختیار و حق انتخاب فرزندان است؟»

پیش از پرداختن به آموزه‌های تربیتی اسلام لازم است یادآور شویم تمام مطالعات روانشناسی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در راستای کنترل رفتار انسان صورت می‌پذیرد؛ چراکه اساساً روانشناسی علم مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی (اتکینسون، ۱۳۷۵، ص ۳۵) به منظور پیش‌بینی و «کنترل رفتار» است (پارسا، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

رفتارگراها محیط را عامل اصلی شکل‌دهنده رفتار می‌دانند و معتقدند که برای کنترل

یک فرد باید محیط او را به کنترل در آورد؛ جمله معروف واتسون «به من یک دوجین نوزاد سالم بی نقص و عیب با دنیایی که من مشخص می‌کنم در اختیارم قرار دهید تا آنها را پرورش دهم، ضمانت خواهم کرد که هر یک را که بخواهید طوری تربیت کنم که تبدیل به یک متخصص، پزشک، حقوق‌دان، هنرمند، تاجر، رئیس و البته دزد یا گدا بشود و این کار بی‌توجه به استعداد، علاقه، میل، توانایی، شغل و نژاد نیاکان آنان انجام خواهم داد.» (هرگنهان و السون، ۱۳۹۲، ص ۲۱۹).

در رویکرد روانکاوی که از رهگذر حل و فصل مشکلات هیجانی مردم شکل گرفت و تأکیدش بر تاریخچه زندگی هر فرد است. (برک، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۵) اعتقاد بر این است ارتباطات اولیه کودک دنیای درونی وی را شکل می‌دهد و مبنای رفتار وی در تمام طول عمر خواهد بود براین اساس همواره در پی کشف این بوده‌اند که گذشته فرد به چه نحو رفتار و روابط کنونی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سنت‌کلر، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

در رویکردهای درمانی هدف بیشتر خروج از حالت مرضی تعریف می‌شود و از آنجاکه نمی‌توان به راحتی بین دو مفهوم به هم وابسته بهنجاری و نابهنجاری مرزی قائل شد ابراز می‌دارند آنچه در روانشناسی مرضی به‌ویژه روانشناسی بالینی کودک حائز اهمیت است تقسیم رفتارها به دو بخش بهنجار و مرضی نیست؛ بلکه مهم ارزشیابی میزان خطر و نیروهای بالقوه بیماری‌زا در کودک است (دادستان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۵).

مارتین سلیگمن دانش روانشناسی را به دو حوزه اصلی تقسیم می‌کند: بخش اول، زیرمجموعه‌ای از روانشناسی است که برای شناخت بیماران و بیماری‌ها به کار گرفته می‌شود. بخش دوم، مباحثی است که می‌کوشد به انسان‌های سالم برای زندگی بهتر کمک کند. روانشناسی مثبت‌گرا برخلاف نگرش سنتی روانشناسی که بیماران را موضوع مطالعه خود قرار می‌داد، تلاش دارد انسان‌های سالمی را که در پی خوشحالی، رشد و موفقیت هستند مورد توجه خود قرار دهد. [۱]

طرفداران نظریه انسان‌نگری تنها به این امر بسنده نکرده‌اند که انسان چیست؛ بلکه به دنبال آن هستند که بدانند انسان بالقوه چه می‌تواند بشود؟ در این نظریه توانایی تصمیم‌گیری، خلاقیت و خودشکوفایی انسان موضوع اصلی مورد مطالعه در نظر گرفته



می‌شود. آنان معتقدند روانشناسی افراد سالم و تندرست باید سرلوحه کار قرار گیرد چه انسان نیاز به خودشکوفایی دارد و می‌خواهد از تمام توانایی‌ها و امکاناتش بهره‌برداری نماید (خدایناهی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۸).

هدف در روانشناسی رشد که تمرکز بیشتری بر بررسی دوران کودکی دارد شناخت رفتارهای اساسی و پیش‌بینی‌کننده رفتارهای آتی با شناخت قوانین و اصول حاکم بر رشد است که از طریق بررسی کیفیت رشد در ابعاد مختلف و ارائه فرضیات و آزمایش فرضیات صورت می‌گیرد (مصباح‌یزدی و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۹۱).

جی استانلی هال (G. Stanley Hall) به‌عنوان بانی جنبش بررسی رفتار کودک و شاگردش آرنولد گزل (Arnold Gesell) رویکرد هنجاری را مطرح کرده‌اند؛ به‌موجب این رویکرد تعداد زیادی از افراد مورد ارزیابی‌های رفتاری قرار می‌گیرند و سپس میانگین‌های مربوط به سن آنها محاسبه می‌شود، میانگین به‌دست آمده شاخصی برای نشان‌دادن رشد طبیعی قرار می‌گیرد (برک، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۳).

مسئله‌ای که مطرح است اینکه ملاک در هنجار چگونه تعریف می‌شود که در فرهنگی یک رفتار مرضی تلقی می‌شود و در فرهنگ دیگر هنجار و یا فرد سالم و تندرست چگونه کسی است که باید سرلوحه دیگران برای رفتارهای فردی و سلوک اجتماعی و الگوی برنامه تربیتی والدین قرار گیرد.

تحلیل دقیق مفهوم هنجار در زبان‌ها و حوزه‌های مختلف نشان می‌دهد که هنجارها در سطح فردی و اجتماعی سه کارکرد اساسی دارند: ۱) شکل‌گیری مفاهیم و درک آنها ۲) تمایز و قضاوت بین بهنجار و نابهنجار ۳) پیش‌بینی رخدادها و هدایت افعال و سیر تحول فردی و اجتماعی انسان (باقری، ۱۳۹۳، ص ۲۹ - ۵۵).

مبنا قرارگرفتن هنجار به معنای گزینش هدایت عمل در سطح فردی و اجتماعی، به‌ویژه در فعالیت‌های تخصصی و مدیریت جامعه است؛ با مبنا قراردادن آگاهانه یا غیر آگاهانه نوع هنجارها مبنایی برای تعریف ویژگی‌های بهنجاری و نابهنجاری برای یک جامعه انتخاب می‌شود که تحقق آن به‌وسیله نهادهای اجتماعی در محیط‌های خانوادگی، آموزشی، درمانی و از طریق سیاست‌گذاری‌های کلان سیاسی و اجتماعی - فرهنگی دنبال می‌شود.

مصادقات‌های بهنجاری مورد تأیید، تکریم و تصویب قرار می‌گیرد و خلاف آن مطرود شناخته می‌شود و در تعاملات و ارتباطات اجتماعی به‌وسیله افراد و نهادها تحقیر، تحریم و تهدید می‌گردد و در صورت امکان شامل اصلاح درمان و تغییر می‌شود (همان).

در پس هر هنجار یک تصویر خاص از ساختار و نحوه کارکرد عالم هستی و انسان نهفته است و بهنجار آن فرد، عمل، وضعیت و یا تحولی تلقی می‌شود که منطبق با نحوه کارکرد معمول در آن هستی‌شناسی و یا انسان‌شناسی است (همان).

باوجود آنکه هر مبنا، ملاک و هنجاری برای سنجش رفتار آدمی دارای آبخشوری فلسفی و نشئت‌گرفته از یک جهان‌بینی است و باوجود آنکه حتی در علمی مثل روانشناسی که در مطالعات خود سعی دارد بدون هرگونه سوگیری انسان را مورد مطالعه قرار دهد هدف کنترل رفتار تعریف شده است از کنترل رشد جسمی با میانگین قراردادن رشد جسمی همسالان تا خروج از حالت مرضی (در مواردی) با ملاک قراردادن نرم جامعه و تا شکوفاسازی ابعاد مختلف وجودی انسان با ملاک قراردادن افراد سالم و خودشکופا، برخی آموزه‌های تربیتی اسلام را مورد نقد قرار داده‌اند که اسلام آزادی و حق انتخاب را از کودکان سلب می‌نماید.

در ادامه آموزه‌های تربیتی اسلام ارائه می‌شود:

### **الف) فراهم ساختن زمینه ارثی**

انتقال خصوصیات جسمی و روانی از والدین به اولاد را وراثت گویند (اوبرباخ، ۱۳۶۳، ص ۸) به‌عبارت‌دیگر منظور از وراثت این است که بعضی از صفات، خصوصیات و تفاوت‌های فردی که در انسان‌ها مشاهده می‌شود قبلاً زمینه‌اش در سلول‌های نطفه والدین فراهم بوده و از این طریق به فرزندانش انتقال می‌یابد و همین ویژگی‌های موجود در نطفه است که مسیر حرکت، رشد و نمو و تشکیل خصوصیات آینده کودک را در داخل رحم مادر و خارج تعیین می‌کند (نصرتی، ۱۳۹۵، ص ۸۹).

یکی از عوامل غیرقابل‌انکار در سرنوشت انسان، وراثت است. خصوصیات روحی و اخلاقی همچون ویژگی‌های جسمانی از طریق عوامل وراثتی (ژن‌ها) از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. برخی قائل به نقش انحصاری وراثت در تعیین سرنوشت انسان هستند، ولی از منظر برخی دیگر، قانون وراثت تنها به منزله یک بستر است و به نحو اقتضا در اعمال

فرد اثر دارد نه به نحو علیت تامه؛ از این رو تحت تأثیر عوامل محیطی به خصوص شیوه‌های تربیتی قابل تقویت یا تضعیف است، مضاف بر آنکه اراده انسان نیز تأثیر بسزایی در سعید یا شقی شدن او دارد (بصیری و گوهری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵-۱۲۸).

آیات و روایات متعددی وجود دارد که به طور ضمنی «إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجِرًا كَفَّارًا» (نوح: ۲۷) و «يَا أُخْتِ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأً سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا» (مریم: ۲۸) و یا به صراحت «انظر في أي نصاب تصح ولدك، فإن العرق دساس» (قضای، ۱۳۶۱، ص ۳۰۹) و «استجیدوا الخال فإن العرق دساس» (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ص ۱۱۷) وراثت را به عنوان عاملی مؤثر در شکل‌دهی به رفتار مورد تأیید قرار داده‌اند.

بر اساس پذیرش این قانون به عنوان عاملی در شکل‌گیری رفتار است که بهترین راه در کنترل رفتار در این زمینه و در مسیر هدف از خلقت انسان، توسط پیشوایان دینی توجه در انتخاب همسر معرفی شده است «تَزَوَّجُوا فِي الْحُجُزِ [۲] الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۷).

منابع اسلامی نه تنها به عامل وراثت و مبادی آن؛ یعنی ازدواج و انتخاب همسر- توجه داده‌اند؛ بلکه ملاک‌ها در انتخاب همسر- که در مسیر هدف از خلقت باشد را نیز بیان داشته‌اند «أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ ﷺ يَسْتَأْمِرُهُ فِي النِّكَاحِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اُنْكِحْ وَ عَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ» (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۳۲) و «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مِّنْ مَّسَلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَ أَبْكَارًا» (تحریم: ۵).

### ب) تقویت پایه‌های فیزیولوژیک رفتار

دین از سه عنصر اعتقادات، اخلاقیات و احکام دینی تشکیل شده است؛ اهمیت اخلاقیات در این است که صدور افعالی را بر نفس تسهیل می‌نماید؛ (طاهری، ۱۳۹۳، ص ۱۰) بنابراین یکی از راه‌های کنترل رفتار، کنترل بر فرایند شکل‌گیری اخلاقیات و به عبارتی ملکات نفسانی است؛ در ادامه به یکی از عوامل شکل‌گیری صفات در درون انسان و چگونگی کنترل آن پرداخته می‌شود.

در معارف اسلامی تغذیه جنین از مواد غذایی مادر دانسته شده است «غِذَاؤُهُ مِمَّا تَأْكُلُ أُمُّهُ وَ يَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ص ۳۰۴) بر این اساس به توصیه‌های جدی تغذیه‌ای به مادران به‌ویژه در دوران بارداری و شیردهی پرداخته شده است؛ توصیه‌های تغذیه‌ای به

مادران تنها معطوف به بُعد جسمانی مادر و نوزاد نیست؛ بلکه به مبنای فیزیولوژیک بودن نوع تغذیه برای صفاتی است که می‌تواند ریشه رفتارهای آتی انسان و تسهیل گر رفتارهای متناسب با آن صفات باشد.

بنابر معارف اسلامی تنها خالی بودن جان انسان از رذایل جهت وصول به مقصد و قرب الی الله کافی نیست؛ بلکه باید باطن جان انسان آراسته به صفات و فضائل اخلاقی گردد. (طاهری، ۱۳۹۳، ص ۱۰) یکی از عوامل شکل‌دهنده صفات (فضائل اخلاقی) در انسان تغذیه مادر در دوران بارداری و شیردهی است؛ روایات مجموعه‌ای از صفات را ذکر کرده‌اند که تغذیه مادر به‌عنوان عاملی در شکل‌گیری آنها شمرده شده است.

بر اساس روایات تغذیه مادر مؤثر است در شکل‌گیری صفاتی چون بردباری «أَطْعَمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ص ۱۴۱) خوش‌اخلاقی «اطعموا حبالکم السفرجل فانه يحسن اخلاق اولادکم»؛ (قطب‌راوندی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱) شجاعت و تیزهوشی «اطعموا حبالکم اللبان فان یکن فی بطشها غلام خرج زکی القلب عالما شجاعا وان یکن جاریة حسن خلقها وخلقتهها»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳، ص ۱۴۱) خردمندی «أَطْعَمُوا حَبَالَكُمْ اللَّبَانَ فَإِنَّ الصَّبِيَّ إِذَا غُدِّيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ بِاللَّبَانِ اشْتَدَّ قَلْبُهُ وَ زِيدَ فِي عَقْلِهِ...» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۰۵).

### ج) توانمندسازی روانی

در کنار همه عواملی که در جهت‌گیری رفتار تأثیر دارند، منابع اسلامی بر عامل درونی «احساس شایستگی» تأکید کرده‌اند؛ این احساس برآیندی از دو عامل یا دو رفتار والدین است که در منابع اسلامی به آن پرداخته شده است.

#### ۱. تکریم

احساس شایستگی سبب می‌شود فرد حاضر نشود نفس خود را با گناه بی‌ارزش نماید «من کرمت علیه نفسه، لم یهنها بالمعصية»؛ (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۳۴) و هوای نفس قادر نخواهد بود او را به دنبال خود بکشاند «من کرمت علیه نفسه، هانت علیه شهوته» (همان) برخلاف فردی که ارزشی در ذات خود احساس نمی‌نماید که نه می‌توان به خیرش امیدی داشت «من هانت علیه نفسه، فلا ترج خیره» (همان) و نه حتی از شرش در امان بود «من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۸۳).

با توجه به تأثیر روانی احساس شایستگی در جهت‌دهی به رفتار است که دستور صریح به تکریم فرزندان داده شده است «امام صادق علیه السلام فرمودند: «اکرّموا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُعْفَرَ لَكُمْ» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۲) فرزندان را اکرام کنید و نیکو ادبشان کنید تا مورد آموزش قرار گیرید» و از هرگونه تحقیر نهی شود پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ»؛ (ورّام، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱) هیچ مسلمانی را کوچک نشمارید؛ چراکه فرد کوچک از مسلمانان هم نزد خدا بزرگ است.

سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیانگر اهتمام به تکریم کودکان است چنانچه امام باقر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ ... وَالتَّسْلِيمَ عَلَى الصَّبِيَانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي»؛ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۷۱) پنج چیز است که تا لحظه مرگ آنها را ترک نمی‌کنم. یکی از آنها سلام کردن به کودکان است [این کار را ادامه می‌دهم] تا پس از من، به صورت سنتی میان مسلمانان باقی بماند».

مزید بر همه تبیین‌های صورت گرفته در اهمیت احساس ارزشمندی و اهتمام در به سنت درآوردن آن به‌ویژه در خصوص کودکان، دستور و راهنمایی در خصوص پیشگیری از خدشه‌دار شده احساس ارزشمندی کودکان نیز شده است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْكَفِيِّ قَبْلَ أَنْ تَغْلِبَ عَلَيْهِمُ الْأَلْقَابُ»؛ پیش از آنکه لقب‌ها [ی زشت] به فرزندان‌تان غلبه یابد، کنیه‌ها [ی خوب] بر آنان بگذارید و با القاب نیکو خطاب کنید» (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ص ۳۸۰).

## ۲. محبت

عامل دوم توانمندسازی روانی که در جهت‌گیری مثبت رفتار کودکان مؤثر است عامل محبت است؛ راجرز اهمیت رابطه مادر و کودک را به صورت عاملی که بر احساس کودک از بالندگی خویش تأثیر می‌گذارد، مورد تأکید قرار می‌دهد. اگر مادر نیاز کودک به محبت را ارضا کند؛ یعنی توجه مثبت خود را نثار وی کند، در این صورت کودک گرایش خواهد داشت که به صورت شخصیتی سالم رشد کند؛ در غیر این صورت، تمایل نوزاد به سوی شکوفایی و رشد خویشتن متوقف می‌شود.

هنگامی که مادر محبت خود نسبت به کودک را به رفتارهای مناسب خاصی مشروط

کند؛ یعنی کودک تنها تحت شرایط خاصی توجه مادر را دریافت کند (توجه مثبت مشروط)، سعی می‌کند از رفتارهایی که عدم تأیید مادر را در پی دارند، بپرهیزد. در این حالت، کودک نگرش مادر را درونی می‌کند و در صورت انجام چنین رفتارهایی، به همان شکل که مادر او را تنبیه می‌کرده، خود را تنبیه می‌کند. در واقع کودک خود را وقتی دوست خواهد داشت که رفتارهایش به شیوه‌ای باشد که تأیید مادر را به همراه بیاورد. بدین ترتیب خود، به صورت یک جایگزین مادر عمل می‌کند. حاصل چنین موقعیتی، رشد شرایط ارزشمندی در کودک است؛ یعنی کودک خود را تنها تحت شرایط خاصی با ارزش می‌بیند. در نتیجه نمی‌تواند با آزادی کامل عمل کند و از رشد یا شکوفایی خود بازداشته می‌شود.

به همین دلیل، راجرز معتقد بود که نخستین شرط لازم برای تحقق سلامت روانی، دریافت توجه مثبت غیرمشروط در دوره کودکی است؛ یعنی هنگامی که مادر محبت و پذیرش کامل خود را بدون توجه به رفتار کودک، به وی ابراز می‌کند. در این صورت کودک ارزش را در خود پرورش نمی‌دهد و بنابراین مجبور نخواهد بود که تظاهرات هیچ‌یک از جنبه‌های خود را سرکوب کند. به عقیده راجرز، تنها از این راه است که می‌توان به وضعیت خودشکوفایی دست یافت (شولتز، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۳۷۵).

در منابع اسلامی هم دستور به محبت نسبت به فرزندان وارد شده است «أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ و ارحمهم»؛ (ابن‌فهدحلی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵) کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنان رؤف و مهربان باشید» و هم والدین به این امر برانگیخته شده‌اند؛ چنان‌که رسول‌اکرم ﷺ فرمودند: «نظر الوالد الی ولده حبا له عباده»؛ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۷۰) نگاه همراه با محبت به فرزند عبادت است» همچنین «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَشَدَّ جُبَّهُ لَوْلَدِهِ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۰) خداوند به بنده‌اش به خاطر شده محبت به فرزندش رحم خواهد کرد». شاید بتوان گفت صریح‌تر از همه بیانات این است که به‌عنوان یکی از ملاک‌ها در انتخاب همسر «بامحبت بودن» مطرح شده است؛ پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «تَزَوَّجُوا الْوُدُودَ الْوُلُودَ فَإِنَّيُّ مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأَنْبِيَاءُ»؛ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۷۸) با زنان بامحبت و زایا ازدواج کنید که من به کثرت شما در قیامت بر پیامبران [امت‌های دیگر] مباحثات می‌کنم؛ چنان‌که در روایت دیگری می‌فرمایند: «خَيْرٌ نِسَائِكُمْ الْوُدُودُ الْمَوَاتِيَةِ الْمَوَاسِيَةِ إِذَا اتَّقَيْنَ اللَّهَ...»؛

(ابن بابویه، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۸۹) بهترین زنان شما، زنان با محبت، زایا، یاور و همدل هستند که تقوا پیشه می‌کنند...».

#### د) ایجاد آمادگی شناختی

آنچه تاکنون ذکر گردید جهت‌دهی به رفتار به شکل غیرمستقیم بود؛ در منابع دینی به جهت‌دهی به رفتار فرزندان به شکل مستقیم و در قالب آموزش نیز پرداخته شده است «وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلِيَّتُهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۳۷۱) و حتی نسبت به کوتاهی در این امر تذخیر شده است؛ روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عده ای کودک نظر انداخته، فرمودند: «وَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمْ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ: لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئًا مِنْ الْفَرَائِضِ وَ إِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُمْ بَعْرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدِّينِ إِلَّا فَأَنَّى مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ هُمْ مِنْ بَرَاءٍ»؛ (شعیری، [بی‌تا]، ص ۶۶۱) وای بر فرزندان آخر الزمان از پدرانشان. عرض شد ای رسول خدا! از پدران مشرک ایشان فرمودند: نه، از پدران مؤمن آنان که به آنها چیزی از واجبات نیاموزند و چون فرزندانشان خواهان یادگیری باشند، آنان را منع کنند و به اندک چیزی از دین در مورد آنها راضی باشند، من از آنها بیزارم و آنها هم از من بیزارند».

نکته قابل توجه اینکه با توجه به محدودیت‌های به‌ویژه شناختی کودکان، آموزش‌های دینی متناسب با توانمندی‌های کودکان گاه صریح «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ» (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۴۷) و گاه در قالب القائات شناختی و آموزش‌های رفتاری است؛ در روایتی امام باقر علیه السلام به طرح آموزش‌هایی می‌پردازند که از سه‌سالگی آغاز می‌گردد و تا پایان هفت‌سالگی ادامه دارد و این آموزش‌ها بیشتر جنبه رفتاری و القائات شناختی دارد: «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ فَقُلْ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَبْلُغَ ثَلَاثَ سِنِينَ وَ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرِينَ يَوْمًا ثُمَّ يَقَالُ لَهُ قُلْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ ثُمَّ يَقَالُ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ ثُمَّ يَقَالُ لَهُ أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أَيُّهُمَا شِمَالُكَ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يَقَالُ لَهُ اسْجُدْ ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ قِيلَ لَهُ صَلِّ وَ عَلِّمِ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ اغْسِلْ وَجْهَكَ وَ كَفَيْكَ فَإِذَا غَسَلْتَهُمَا قِيلَ لَهُ صَلِّ ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ تِسْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ عِلْمُ الْوُضُوءِ وَ ضَرْبِ عَلَيْهِ وَ أَمْرٍ بِالصَّلَاةِ وَ ضَرْبِ عَلَيْهَا فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ عَفَرَ اللَّهُ لَوَالِدَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».[۳]

## هـ) پیشگیری از انحراف

جهت‌دهی رشد در مسیر هدف خلقت علاوه بر زمینه‌سازی و توانمندسازی نیاز به مراقبت‌های پیشگیرانه نیز دارد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ (تحریم: ۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه‌دارید».

درواقع فرزند آدمی با فطرتی پاک قدم به زمین می‌گذارد و این والدین هستند که عالمانه، عامدانه و یا در سایه غفلت زمینه انحراف او را به وجود می‌آورند؛ فضیل‌بن عثمان از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ اللَّذَانِ يَهُودَانِهِ وَ يُنَصِّرَانِهِ وَ مُجَسَّسَانِهِ»؛ (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۹) هر کودکی جز بر فطرت به دنیا نمی‌آید، این پدر و مادرش هستند که او را یهودی یا مسیحی یا مجوسی بار می‌آورند». در منابع اسلامی از مجموعه‌ای از عوامل انحرافی یاد شده است که می‌تواند سبب انحراف در جهت رشد گردد:

### ۱. پیشگیری‌های شناختی - اعتقادی

در هر زمانی ممکن است انواعی از افکار و اعتقادات درست و غلط در جوامع رایج باشد و از طرفی بیش از هرکسی نوجوانان نسبت به افکار مسموم در معرض خطر قرار دارند «وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (همان، ص ۷۰) بر والدین است که پیش از آلوده شدن افکار نوجوانان آنان را با معارف حقه آشنا سازند، امام صادق علیه السلام فرمودند: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ»؛ در آموزش حدیث به فرزندان شتاب کنید پیش از آنکه مرجئه (منحرفان) زودتر از شما به سراغ آنها بروند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷).

### ۲. پرهیز از مال حرام

از دیگر مواردی که می‌تواند سبب خروج از مسیر رشد شود و ضرورت پیشگیری دارد مال حرام است؛ منابع اسلامی بر روی این موضوع تأکید زیادی دارند که از حجم بالای آیات و روایات در این زمینه قابل استنباط است چنانچه محتوای مستندات نیز گویای همین مطلب است؛ تأثیر مال حرام موقتی و یا منوط به اراده نیست امام صادق علیه السلام فرمودند: «كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الدُّرْيَةِ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۵) (اثر) کسب حرام در ذریه و فرزندان آشکار می‌گردد».

مسئله پرهیز از حرام مختص به بزرگسالان نیست؛ بلکه حتی نوزادان نیز باید از حرام و هرآنچه خوردن آن جایز نیست دورنگه داشته شوند؛ چراکه تغذیه بر نوزاد اثرگذار است «فَإِنَّ اللَّبْنَ يَغْلِبُ الطَّبَاعَ» (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۴۳). براین اساس از امیرالمؤمنین علیه السلام و امام باقر علیه السلام آمده است: «أَنْتَهُمَا رَحَّصَا فِي اسْتِزْصَاعِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسِ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ إِذَا أَرْضَعُوا لَكُمْ فَأَمْنَعُوهُمْ مِنْ شَرْبِ الْخَمْرِ وَ أَكْلِ مَا لَا يَحِلُّ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۶۱) امیرالمؤمنین علیه السلام و امام باقر علیه السلام اجازه شیردادن توسط یهود و نصاری و مجوس را داده‌اند و امام صادق علیه السلام فرموده‌اند هنگامی که فرزندان شما را شیر می‌دهند آنها را از نوشیدن شراب و خوردن چیزهایی که حلال نیست منع کنید».

### ۳. مراقبت جنسی

از دیگر مراقبت‌های پیشگیرانه‌ای که ضرورت توجه دارد مراقبت در زمینه مسائل جنسی است؛ دامنه مراقبت‌های جنسی بسیار گسترده و حساس است؛ منابع اسلامی والدین را نسبت به مشاهده صحنه‌های جنسی توسط کودکان پرهیز داده‌اند؛ چنان‌که سَوَّلَ اللَّهُ سَلَّمَ آمده است: «وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا غَشِيَ امْرَأَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ مُسْتَيْقِظٌ يَرَاهُمَا وَ يَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَ نَفْسَهُمَا مَا أَفْلَحَ أَبَدًا إِنْ كَانَ غَلَامًا كَانَ زَانِيًا أَوْ جَارِيَةً كَانَتْ زَانِيَةً»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۰) چنان‌که از دست‌ورزی‌های غیر ضرور حتی توسط والدین پرهیز داده‌اند، امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «مُبَاشَرَةُ الْمَرْأَةِ ابْنَتِهَا إِذَا بَلَغَتْ سِتِّ سِنِينَ شُعْبَةٌ مِنَ الرَّثَا»؛ (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۲۸۰) مادری که آلت تناسلی دختر شش‌ساله خود را لمس کند، نوعی زنا مرتکب شده است».

علاوه بر پیشگیری‌های مطرح‌شده بر جدایی بستر کودکان دستور داده شده است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام: «أَنَّهُ يُفَرِّقُ بَيْنَ الصَّبِيَّانِ فِي الْمَضَاجِعِ لِسِتِّ سِنِينَ»؛ (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۳) رختخواب بچه‌های شش‌ساله را از هم جدا کنید؛ ممکن است به ذهن برسد این مسئله مربوط به کودکان غریبه است و در مورد برادران خصوصیتی ندارد درحالی‌که بر جدایی بستر فرزندان نیز دستور داده شده است «إِذَا بَلَغَ أَوْلَادُكُمْ سَبْعَ سِنِينَ فَفَرِّقُوا بَيْنَ فُرْشِهِمْ»؛ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰۱) هرگاه کودکان تا به هفت‌سالگی رسیدند، رختخواب هایشان را جدا کنید و حتی به تفصیل در مورد جنس کودکان صحبت به میان آمده است تا

جایی که ابهامی باقی نمی‌ماند، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الصَّبِيُّ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيَّةُ وَ الصَّبِيَّةُ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ»؛ (همان، ص ۲۲۳) پیامبر ﷺ فرمودند رختخواب کودکان ده‌ساله پسر با پسر، یا دختر با دختر، یا پسر با دختر باشد، باید از هم جدا باشد.

دامنه این پیشگیری‌ها شامل زنان و پسران از سن ده‌سالگی نیز می‌شود «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالَ: «يُفَرَّقُ بَيْنَ الصَّبِيَّانِ وَ النِّسَاءِ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سِنِينَ؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۶۱) وقتی کودکان ده‌ساله شدند، رختخواب آنها و زنان را جدا نمایید».

#### ۴. پرهیز از القائات منفی

نکته پیشگیرانه و ظریف دیگری که منابع به آن پرداخته‌اند پرهیز از القائات منفی است؛ گاه رفتار والدین به‌گونه‌ای است که فرزندان را به خطا راهنمایی می‌کنند درحالی‌که ذهن کودک نسبت به آن خطا کاملاً خالی است؛ از امام باقر علیه السلام وارد شده است که می‌فرمایند: «لَا تَلْقُنُوا الْكَذِبَ فَتَكْذِبُوا فَإِنَّ بَنِي يَعْقُوبَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْبَ يَأْكُلُ الْإِنْسَانَ حَتَّى لَقْنَهُمْ أَبْوَهُمْ»؛ (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۸) دروغ‌گویی را به فرزند تلقین نکنید، فرزندان یعقوب تا زمانی که یعقوب نگفته بود: می‌ترسم گرگ او را بدرد، نمی‌دانستند که گرگ، انسان را می‌درد - بعد از این آموختند که به دروغ به پدر خود بگویند ما بازی می‌کردیم، گرگی آمد و یوسف را درید».

## نتیجه‌گیری

در موضوع آزادی، اختیار و حق انتخاب با دودسته از مباحث نظری و عملی روبرو هستیم: در مباحث نظری فلاسفه غربی قائل به آزادی فرد هستند و اگر بحثی از محدودیت‌ها مطرح می‌شود ناظر به مقام عمل است و از نگاه اندیشمندان مسلمان آزادی یک ضرورت است. [۴] و اراده و اختیار به موازات هم از ویژگی‌های ذاتی و فطری انسان به شمار می‌روند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۷۹۲).

در مقام عمل، علمی چون روانشناسی اساساً باهدف «کنترل رفتار» انسان تعریف شده است و دامنه مطالعات و دست‌اندازی آن از رشد جسمی گرفته تا استعدادهای نهفته و بالقوه در درون انسان را در برمی‌گیرد.

و بر اساس معارف اسلامی والدین مکلف هستند هرآنچه مایه رشد فرزندان است را انجام دهند؛ مداخلات والدین یا جنبه پیشگیرانه دارد مثل حفظ از خطرات جسمی و یا القائات منفی، یا جنبه رشدی دارد که درواقع دخالت مستقیم است که عبارت است از رشد جسمی فرزندان با این لحاظ که همه ابعاد دیگر انسان دارای مبنای فیزیولوژیک نیز هستند و یا ایجاد آمادگی و رویارویی با آنچه در بزرگسالی و در جامعه با آنها روبرو خواهد شد از ضرورت‌هایی چون انتخاب یک شغل تا رویارویی با انواع باورها.



### پی‌نوشت

[۱]. ر.ک: جینا ال. مگیار - موئه، مداخلات روانشناسی مثبت‌گرا، ترجمه علی‌اکبر فروغی و همکاران، تهران: ارجمند، ۱۴۰۰.

[۲]. الحجز- بالكسر و الضم-: العشيرة. العفیف: الطاهر.

[۳]. «وقتی پسر بچه به سن سه‌سالگی رسید به او آموزش می‌دهند که هفت بار «لا اله الا الله» بگوید، سپس وی را تا رسیدن به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز به حال خود می‌گذارند و آنگاه به وی می‌گویند تا ۷ مرتبه «محمد رسول الله ﷺ» بگوید. باز رهاش می‌کنند تا چهارسالگی، در این سن به او یاد می‌دهند تا ۷ بار «صلی الله علی محمد و آله» بگوید. سپس تا تمام شدن پنج‌سالگی کاری به وی ندارند. در پنج‌سالگی از او درباره شناخت دست چپ و راست سؤال می‌شود. اگر دست راست و چپ خود را تشخیص داد، او را روبه‌قبله کرده و امر به سجده می‌کنند. در ادامه تا هفت‌سالگی چیزی به وی نمی‌آموزند. در پایان هفت‌سالگی به او گفته می‌شود خود دست و رویش را بشوید، وقتی از پس این کار برآمد به او گفته می‌شود: نماز بگزار. باز تا رسیدن به نه سالگی آزادش می‌گذارند، در پایان نه سالگی وضو و نماز را به وی می‌آموزند، در صورت تخلف از آنها کتک می‌خورد. اگر وضو و نماز را یاد بگیرد، آمرزش خدای عزیز شامل حال او و پدر و مادرش خواهد شد؛ ان شاء الله.»

[۴]. ر.ک: مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران: صدرا، ۱۳۷۴.

## فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۲. ابن بابویه، شیخ صدوق محمد بن علی، *الأمالی*، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۳. ———، *الخصال*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، *آیین بندگی و نیایش (ترجمه عدة الداعی)*، ترجمه حسین غفاری ساروی، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۶. اتکینسون ریتال ل. و دیگران، *زمینه روانشناسی هیلگارد*، ترجمه محمدنقی براهنی و همکاران، تهران: رشد، ۱۳۷۵.
۷. برک، لورا، *روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: ارسباران، ۱۳۹۱.
۸. بصیری، حمیدرضا و مریم گوهری، «نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث»، فصلنامه سراج منیر، دوره ۴، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۰۵-۱۲۸.
۹. پارسا، محمد، *بنیادهای روانشناسی*، تهران: سخن، ۱۳۸۲.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق و تصحیح: سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. جمعی از نویسندگان، *مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۸.
۱۲. خدایپناهی، محمدکریم، *انگیزش و هیجان*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۹.
۱۳. دادستان، پریخ، *روانشناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۰.

۱۴. سنت ککر، مایکل، درآمدی بر روابط موضوعی و روانشناسی خود، ترجمه علیرضا طهماسب و حامد علی آقایی، تهران: نشرنی، ۱۳۸۶.
۱۵. شارلوت اوبرباخ، علم وراثت، ترجمه محمود بهزاد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر- کتاب، ۱۳۶۳.
۱۶. شعیری، محمدبن محمد، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریه، [بی تا].
۱۷. شهیدثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: داوری، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. شولتز، دوآن پی و سیدنی ال شولتز، تاریخ روانشناسی نوین، ترجمه علی اکبر سیف و همکاران، تهران: دوران، ۱۳۹۹.
۱۹. شیخ حرعاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. طاهری، حبیب الله، درس هایی از اخلاق اسلامی یا آداب سیروسلوک، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۳.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰.
۲۳. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م / ۱۳۴۴.
۲۴. غفاری، ارسلان و ابوالفضل غفاری، «بررسی رابطه آزادی و انضباط در فرایند تربیت از دیدگاه کانت و روسو»، فصلنامه ارزش شناسی در آموزش (فلسفه تعلیم و تربیت سابق)، مقاله ۶، دوره ۱، شماره اول، پاییز ۱۳۹۳، ص ۹۶-۱۰۶.
۲۵. فیض کاشانی، ملامحسن محمدبن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. قضاعی، محمدبن سلامة، شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر صلی الله علیه و آله)،

- تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۲۷. قطب‌راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة الله، الدعوات، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۷ق.
۲۸. قمی‌مشهدی، محمدبن‌محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸.
۲۹. کرین، ویلیام کریستوفر، نظریه‌های رشد: مفاهیم و کاربردها، ترجمه علیرضا رجایی و غلامرضا خوی‌نژاد، تهران: رشد، ۱۳۹۵.
۳۰. کلینی، محمدبن‌یعقوب بن اسحاق، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۳۱. گروهی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۹۰.
۳۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۳. محسنی، نیک‌چهره، نظریه‌ها در روانشناسی رشد، تهران: جاجرمی، ۱۳۹۳.
۳۴. مصباح، علی و دیگران، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۷۴.
۳۵. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران: صدرا، ۱۳۷۴.
۳۶. نوری، حسین‌بن‌محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۳۷. هاشمیان، احمد، اصول و مبانی روانشناسی تربیتی، تهران: تندیس، ۱۳۸۴.
۳۸. هرگنهان، بی. آر و متیو اچ. السون، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران: دوران، ۱۳۹۸.
۳۹. هلالی، سلیم‌بن‌قیس، کتاب سلیم‌بن‌قیس الهلالی، قم: الهادی، ۱۴۰۵ق.
۴۰. ورام، ابی‌فراس مسعودبن‌عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، قم: مکتبة الفقیه، ۱۴۱۰ق.